

توصیف خود: پژوهشی مقایسه‌ای بر مبنای سن و جنس

ناهید صادقی

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

دانشگاه تهران

چکیده

به منظور بررسی و شناخت محتوای مفهوم خود نزد پسران و دختران نوجوان و جوان، ۴۶۹ نفر از دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی، دبیرستان و دانشجویان دانشگاه در شهر تهران به روش تصادفی انتخاب شدند و با استفاده از آزمون "بیست سوالی من کیستم" مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که محتوای توصیف خود سیری تحولی دارد. در ابتدا این مفهوم نزد دو جنس جسمانی و عینی است و با افزایش سن بیشتر انتزاعی و درونی می‌شود. به‌رغم این تشابه تحولی، و در زمینه مقایسه‌های جنسی رجوع دختران به برخی از جنبه‌های توصیف خود مانند صفات هیجانی - عاطفی، صفات اخلاقی - شخصیتی، عقاید و باورها، رفتار اجتماعی، رفتار شخصی، رفتار خانوادگی و خود از دید دیگران، بیشتر از پسران است و برعکس رجوع پسران به ویژگی‌های شناختی، آمال و آرزوها و انتخاب و سلیقه‌ها بیشتر از دختران است.

مفهوم خود دربرگیرنده تجربه‌ای است که هر فرد نسبت به متمایز بودن خود از دیگران دارد. به بیان دیگر هر فرد با توجه به تجربیات شخصی، خود را واجد صفات، نقش، مقام و منسوبات خاصی می‌داند که او را از دیگران متمایز می‌کند. مفهوم خود به لحاظ نقش محوری که در رفتار فرد با دیگران دارد، موضوعی اساسی و مهم در نظام‌های روان‌شناختی به شمار می‌آید.

مفهوم خود به روش‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است و در این بررسی‌ها از

ابزارهای متعددی مانند مصاحبه‌های بالینی (دیمون و هارت^۱، ۱۹۹۲)، پرسشنامه‌های بسته (دوسک و فلاهری^۲، ۱۹۸۱)، پرسشنامه‌های باز (کوهن^۳، ۱۹۵۴)، تحلیل روانی (کوهوت^۴، ۱۹۹۲)، توصیف و شرح حال و بیان خاطرات استفاده شده است. مفهوم خود برحسب جنس، سن و زمینه‌های فرهنگی مختلف بررسی شده است. یافته‌های پژوهشی در این زمینه تفاوت‌هایی را در هر یک از موارد پیش گفته نشان می‌دهند.

برخی پژوهش‌ها با افزایش سن تغییرات تحولی را گزارش کرده‌اند، مثلاً "طبق یافته‌های لیوسلی و بروملی^۵ (۱۹۷۳) کودکان خردسال در توصیف خود از ویژگی‌های جسمانی و رفتاری و کودکان بزرگتر از ویژگی‌های انتزاعی و روان‌شناختی استفاده می‌کنند. مونته مایر و ایزن^۶ (۱۹۷۷) نیز تغییرات سنی معناداری در "ادراک خود" نوجوانان مشاهده کردند. ویگفیلد و کارپاتین^۷ (۱۹۹۱) اعتقاد دارند که جنبه‌های مختلف مفهوم خود همگام با سن و جنس تغییر می‌کند؛ ولی وایلی^۸ (۱۹۷۹) براساس تحقیقات انجام شده قبلی بر این باور است که مفهوم خود در سنین ۶ تا ۵۰ سالگی تغییر نمی‌کند. بررسی‌های مفهوم خود به لحاظ تفاوت‌های جنسی نیز ناظر بر نتایج متفاوتی است. وایلی (۱۹۷۹) بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته تا سال ۱۹۷۷ معتقد است در مفهوم خود دو جنس تفاوتی مشاهده نمی‌شود، ولی بر اساس یافته‌های پژوهشی هارتر^۹ (۱۹۸۲)، پسران تا قبل از نوجوانی مفهوم خود جسمانی بالاتری از دختران دارند، لیکن بین دو جنس از بابت وجوه اجتماعی و شناختی مفهوم خود تفاوت معناداری وجود ندارد.

به اعتقاد اکثر روان‌شناسان، فرهنگ نیز بر مفهوم خود تاثیر می‌گذارد؛ اگر چه پژوهش‌های بین فرهنگی در این زمینه اندک است. در پژوهشی دیمون و هارت (۱۹۹۱)

1. Damon & Hart

2. Dusek & Flahery

3. Kohen

4. kohut

5. Livesly & Bromly

6. Monte - Mayer & Eisen

7. Wigfield & Karpathian

8. Wylie

9. Harter

تفاوت‌ها و شباهت‌های ادراک خود کودکان را در دو فرهنگ متفاوت مورد بررسی قرار دادند. نتایج به رغم تفاوت‌های فرهنگی، روند تحولی ادراک خود و ارتباط آن را با سن نشان می‌دهد. در پژوهشی که باندو چیونگ^۱ (۱۹۸۳) روی دانش‌آموزان امریکایی، ژاپنی و هنگ‌کنگی انجام دادند، در یافتند دانش‌آموزان امریکایی در توصیف خود از مقوله‌های بیشتری نسبت به گروه نمونه ژاپنی استفاده کردند. شی کانوگوا^۲ (۱۹۹۸) در مقایسه توصیف خود دانش‌آموزان امریکایی و ژاپنی مشاهده کرد، به رغم سیر تحولی مفهوم خود، همگام با افزایش سن تفاوت‌هایی بین مفهوم خود در فرهنگ‌های فردگرا (امریکایی) و جمع‌گرا (ژاپنی) وجود دارد.

پژوهش حاضر نیز سعی در شناخت محتوای مفهوم خود نزد پسران و دختران نوجوان و جوان در پاسخ به آزمون "بیست سوالی من کیستم" (TST)^۳ و درک تغییرات تحولی دارد که همگام با سن در مفهوم خود دو جنس صورت می‌گیرد. در این مورد یک فرضیه و پرسش پژوهشی مطرح می‌شود.

فرضیه: سیر تحولی مفهوم خود با افزایش سن به تدریج انتزاعی‌تر می‌شود و از صورت جسمانی به صورت درونی درمی‌آید.

پرسش: آیا محتوای مفهوم خود نزد دختران متفاوت از محتوای مفهوم خود نزد پسران است؟

روش.

پژوهش حاضر "پژوهش تحولی" و از نوع مقطعی است. در این نوع پژوهش گردآوری داده‌ها از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی در یک مقطع معین زمانی انجام می‌گیرد.

آزمودنی‌ها. نمونه مورد بررسی را ۴۶۹ نفر از دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان و دانشجویان دانشگاه در شهر تهران تشکیل می‌دهند، که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نمونه انتخابی در جدول یک به تفکیک سن و جنس ارایه شده است.

1. Bond & Cheung

2. Chie Kanagawa

3. The Twenty - Statments Test

جدول ۱. گروه نمونه بر حسب سن و جنس

جنس	سن	۱۳-۱۴	۱۶-۱۷	۱۸-۳۰	کل
پسر		۷۰	۸۸	۷۷	۲۳۵
دختر		۷۸	۷۵	۸۱	۲۳۴
کل		۱۴۸	۱۶۳	۱۵۸	۴۶۹

ابزار. در پژوهش حاضر از آزمون بیست سوالی من کیستم (TST) استفاده شده است. این آزمون را کوهن (۱۹۵۴) تدوین کرد و هارتلی^۱ آن را مورد تجدید نظر قرار داد (امینی یزدی، ۱۳۷۳). در این آزمون از آزمودنی خواسته می شود که در بیست جمله متفاوت خود را توصیف کند. آزمون "من کیستم" آزمونی پاسخ باز و فرهنگ آزاد است.

بررسی پاسخها و کدگذاری: در این پژوهش از روش کدگذاری باند (۱۹۸۳) استفاده شده است. در این روش پاسخها به چهار مقوله شامل هویت اجتماعی، اسنادهای شخصی و توصیفهای رفتاری، اسنادهای روانی و پاسخهای غیرقابل کدگذاری تقسیم می شوند.

هویت اجتماعی. هر گونه بیان یا اظهاری است که فرد را از لحاظ موقعیت اجتماعی تعریف یا مشخص می کند. هویت اجتماعی بر حسب چگونگی آن زیر مقوله های زیر را در بر می گیرد:

نقش اجتماعی: پایگاه اجتماعی را مشخص می کند، مانند دانش آموز

نقش خانوادگی: اشاره به موقعیت فرد در خانواده دارد، مانند فرزند.

نقش عام: توصیفی نامشخص و مبهم از فرد است، مانند موجود انسانی

فردیت خود: به معنای هر گونه اشاره مستقیم و معین به خود است، مانند از خود نام بردن.

خود از دید دیگران: عبارت است از توجه به نظری که دیگران نسبت به فرد دارند، مانند "همه مرا دختری صبور می دانند."

اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری. به معنای صفاتی است که فرد به خود نسبت می‌دهد و نیز توصیف‌هایی که فرد عامل عملی آن باشد و بتوان آن را مشاهده کرد. این مقوله شامل زیر مقوله‌های زیر است.

اسنادهای فیزیکی. هر گونه اشاره به ویژگی‌های بدنی، مالکیت و وضعیت فیزیکی مثل قدبلندی دارم، دوچرخه‌ای دارم.

رفتار اجتماعی: توصیف‌های مربوط به چگونگی و یا بیان رفتار با دیگران مانند من به دوستانم کمک می‌کنم.

آمال و آرزوها: توصیف آن چه آزمودنی می‌خواهد در آینده باشد یا انجام دهد، مانند می‌خواهم پزشک شوم.

انتخاب و سلیقه‌ها: ترجیحات و علائق فرد نسبت به افراد، اشیا و حوادث، مثل رنگ آبی را دوست دارم، گردش با دوستان را ترجیح می‌دهم.

رفتار شخصی: توصیف رفتار شخص بدون ارتباط با یک زمینه خاص، مثل اتاقم را تمیز می‌کنم.

رفتار مذهبی: توصیفات رفتاری که در آن رفتار به اعمال مذهبی مربوط باشد، مثل من نماز می‌خوانم.

رفتار خانوادگی: توصیف رفتاری که فرد در موقعیت و روابط خانوادگی انجام می‌دهد، مثل من به مادرم کمک می‌کنم.

اسنادهای روانی. هر گونه توصیفی که مبنای آن حالات درونی و غیرقابل رؤیت باشد و فرد را با آن حالت بیان کند. اسنادهای روانی به مقوله‌های زیر تقسیم می‌شود:

صفات هیجانی - عاطفی: اشاره به ویژگی‌های هیجانی - عاطفی فرد دارد، مثل درونگرا هستم، بچه‌ها را دوست دارم.

ویژگی‌های شناختی: شامل اسنادهای مربوط به حوزه ادراک و شناخت است، مثل من با استعداد هستم.

عقاید و باورها: ناظر بر بیاناتی است که نشان‌دهنده جهت‌یابی ایدئولوژیکی و جهان‌بینی فرد است، مثل به خدا معتقد هستم.

پاسخهای غیرقابل کدگذاری. پاسخ‌هایی که با پرسش "من کیستم" ارتباط مستقیم ندارد و در سه مقوله پیش گفته نمی‌گنجد، مثل هوا آفتابی است.

ضریب قابلیت اعتماد^۱ آزمون. در پژوهش‌هایی که داده‌ها از روش تحلیل محتوا به دست می‌آیند، برای اعتماد به کدگذاری مقوله‌ها لازم است ضریب قابلیت اعتماد محاسبه شود. در این پژوهش برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد از فرمولی که ویلیام اسکات^۲ برای داده‌های اسمی ارائه کرده، استفاده شد. این روش از سایر روش‌ها مناسبتر به نظر می‌رسد، زیرا در محاسبه ضریب زیر مقوله‌ها نیز به کار گرفته می‌شوند. برای محاسبه ضریب اعتماد از هر گروه سنی ۳۰ پاسخنامه به طور تصادفی انتخاب شد و به فاصله دو ماه کدگذاری مجدد انجام گرفت. ضریب قابلیت اعتماد بین دو کدگذاری برای گروه سنی ۱۳-۱۴ ساله برابر ۰/۷۹، برای گروه سنی ۱۶-۱۷ ساله ۰/۸۰، و برای گروه سنی ۱۸-۳۰ (M=۲۳) ۰/۸۵ محاسبه گردید.

تحلیل داده‌ها. بدین منظور ابتدا تحولاتی که همگام با افزایش سن ایجاد می‌شوند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم خود و سن: برای بررسی تحولی مفهوم خود، فراوانی و درصد پاسخ آزمودنی‌ها در هر یک از گروه‌های سنی برای تمام مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها محاسبه شد. آزمودنی‌ها به ترتیب به مقوله اسنادهای روانی، اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری، و هویت اجتماعی مراجعه می‌کنند، ولی نسبت پاسخ آزمودنی‌ها به سه مقوله پیش گفته در گروه‌های سنی مختلف یکسان نیست. در مقوله اسنادهای روانی گروه سنی ۱۸-۳۰ ساله بالاترین درصد (۶۵) و گروه سنی ۱۳-۱۴ ساله کمترین درصد (۵۳/۵) را به خود اختصاص می‌دهند. آزمودنی‌های گروه‌های سنی ۱۶-۱۷، ۱۳-۱۴ و ۱۸-۳۰ ساله در توصیف خود به ترتیب از مقوله‌های اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری استفاده می‌کنند گروه سنی ۱۳-۱۴ ساله بالاترین درصد رجوع (۳/۴) و گروه سنی ۱۸-۳۰ ساله پایین‌ترین درصد (۰/۹) رجوع به مقوله هویت اجتماعی را دارند. بنابراین نوجوانان ۱۳-۱۴ که پایین‌ترین گروه سنی این پژوهش را تشکیل می‌دهند، در توصیف خود از توصیف‌های عینی بیشتری استفاده کرده‌اند. برای بررسی دقیق‌تر و تعیین رابطه تعاملی بین سن و مقوله‌های توصیف خود، آزمون استقلال (مجذور کای دو متغیری) روی داده‌های جدول ۲ انجام شد. نتایج حاصله بین سن آزمودنی‌ها و مقوله‌های توصیف

خود رابطه معناداری در سطح $\alpha = 0/001$ ($X^2 = 126/13, df = 6$) نشان داد. از آزمون نیکویی برازش (مجدور کای تک متغیری) برای بررسی هر یک از مقوله‌های توصیف خود در گروه‌های سنی متفاوت استفاده شد. نتایج آزمون در سطر آخر جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌های آزمودنی‌ها به چهار مقوله توصیف خود به

تفکیک سن

مقوله‌ها سن	هویت اجتماعی	اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری	اسنادهای روانی	غیرقابل کدگذاری	جمع
۱۳-۱۴	۶۳	۷۴۳	۹۸۰	۵۱	۱۸۳۷
۱۶-۱۷	۶۶	۱۱۰۱	۱۴۶۲	۴۸	۲۶۷۷
۱۸-۳۰	۲۱	۸۳۸	۱۶۰۵	۱۱	۲۴۷۵
جمع	۱۵۰	۲۶۸۲	۴۰۰۹	۱۱۰	۶۹۸۹
x^2	۲۵/۳۴**	۷۶/۹**	۱۵۲/۵**	۲۷/۱**	
df	۲	۲	۲	۲	

** $P < 0/001$

در مقوله هویت اجتماعی بین توزیع فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری دیده شد. بنابراین فراوانی رجوع آزمودنی‌ها به مقوله هویت اجتماعی با افزایش سن تقلیل می‌یابد، و این کاهش از نظر آماری معنادار است. بین توزیع فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در سه مقوله دیگر نیز تفاوت معناداری دیده شد. نوجوانان ۱۷-۱۸ ساله در توصیف خود بیشترین رجوع را به مقوله اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری و جوانان بیشترین رجوع را به اسنادهای روانی دارند. فراوانی پاسخ‌های غیرقابل کدگذاری با افزایش سن کاهش می‌یابد، یعنی آزمودنی‌ها با افزایش سن بهتر می‌توانند خود را در قالب جملات با معنا توصیف کنند.

برای بررسی رابطه تعاملی بین سن آزمودنی‌ها و رجوع آنها به زیرمقوله‌های

محتوای مفهوم خود، جدول ۱۶×۳ (سن و زیرمقوله‌های توصیف خود) تشکیل و آزمون مجذور کا محاسبه شد. آزمون در سطح $\alpha=0/001$ ($X^2=164/6$ ، $df=30$) معنادار است. یعنی بین سن آزمودنی‌ها و زیرمقوله‌های توصیف خود رابطه وجود دارد. به منظور بررسی دقیق‌تر با استفاده از آزمون مجذور کای تک متغیری فراوانی پاسخ آزمودنی‌ها در هر یک از زیر مقوله‌ها مقایسه شد. در اکثر زیر مقوله‌های هویت اجتماعی، با افزایش سن فراوانی پاسخ‌ها کاهش یافته است. مجذور کا محاسبه شده در زیرمقوله نقش خانوادگی و نقش عام به ترتیب برابر با $13/3$ و $18/5$ است که هر دو در سطح $\alpha=0/001$ معنادار هستند. جوانان به این دو نقش اخیر هیچ گونه رجوعی نداشتند، در حالی که نوجوانان ۱۶-۱۷ نسبت به ۱۳-۱۴ ساله‌ها بدان رجوع بیشتری داشتند. در زیرمقوله‌های نقش اجتماعی، فردیت و خود از دید دیگران گرچه تفاوت فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار از نظر آماری معنادار نیست، ولی کم رنگ شدن پاسخ‌ها را با افزایش سن می‌توان دید. به بیان دیگر، با افزایش سن توصیف‌های جسمانی و عینی بسیار کم می‌شوند. در جدول ۳ درصد مقوله‌ها و زیرمقوله‌هایی که در گروه‌های سنی مختلف تفاوت دارند ارائه شده است، سطح معناداری (به جز یک مورد) $\alpha=0/001$ است.

روی زیر مقوله‌های اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری آزمون مجذور کا انجام شد. در زیر مقوله‌های رفتار شخصی، اسنادهای فیزیکی، آمال و آرزوها و انتخاب و سلیقه‌ها بین توزیع فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری سطح $\alpha=0/001$ دیده شد و آزمون محاسبه شده به ترتیب برابر با $25/75$ ، $27/4$ ، $54/92$ است. در زیر مقوله‌های رفتار شخصی مانند "اتاقم را خودم تمیز می‌کنم" و اسنادهای فیزیکی، مثل "دختری با موهای بلند هستم"، "پسری چاق هستم" فراوانی پاسخ‌های آزمودنی‌ها با افزایش سن کاهش نشان می‌دهد. به بیان دیگر توصیف‌های جسمانی کم و به تدریج توصیف‌ها درونی و انتزاعی می‌شوند، مانند "دختری احساساتی هستم"، "بچه‌ها را دوست دارم". رجوع آزمودنی‌ها به زیر مقوله‌های آمال و آرزوها و انتخاب سلیقه‌ها در پایان نوجوانی افزایش نشان می‌دهد ولی از انتهای نوجوانی تا جوانی کاهش فراوانی‌ها چشمگیر می‌شود. نوجوانان ۱۶-۱۷ ساله به آرزوهای تحصیلی، شغلی و ازدواج بسیار رجوع می‌کنند و در انتخاب سلیقه‌ها نیز از

تلون بیشتری برخوردارند. "آرزو دارم در کنکور دانشگاه قبول شوم"، "دوست دارم بچه‌های خوبی تربیت کنم"، "می‌خواهم باعث سربلندی خانواده‌ام شوم".

جدول ۳. درصد کل پاسخ‌های آزمودنی‌های گروه‌های سنی مختلف به مقوله‌ها و زیر مقوله‌های "مفهوم خود"

نوع مقوله	گروه سنی		
	۱۳-۱۴	۱۶-۱۷	۱۸-۳۰
هویت اجتماعی	۳/۴	۲/۵	۰/۹
نقش خانوادگی	۰/۴۵	۰/۵	--
نقش عام	۰/۸	۰/۶	--
اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری	۴۰/۴	۴۱	۳۴
رفتار شخصی	۶/۷	۳/۲	۱/۳
اسنادهای فیزیکی	۲/۸	۰/۸	۰/۶
آمال و آرزوها	۳/۴	۴/۸	۳/۳
انتخاب و سلیقه‌ها	۱۴/۷	۲۳/۷	۱۹
اسنادهای روانی	۵۳/۳	۵۴/۶	۶۵
صفات هیجانی-عاطفی	۱۷	۲۰	۷/۵
صفات اخلاقی-شخصیتی	۲۲/۵	۱۴/۲	۱۲/۴
ویژگی‌های شناختی	۱۲/۴	۱۸/۱	۴۲
عقاید و باورها	*۱/۶	۲	۱۹/۱

* $P < 0/05$

در زیر مقوله‌های اسنادهای روانی بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری مشاهده شد مجذور کا محاسبه شده در زیر مقوله‌های صفات هیجانی - عاطفی، صفات اخلاقی - شخصیتی، و ویژگی‌های شناختی و عقاید و باورها به ترتیب برابر با ۱۸۱/۹۴، ۱۶/۰۸، ۵۸۶/۱۳ و ۷/۸ است. عقاید و باورها در سطح $\alpha = 0/05$ و بقیه در سطح $\alpha = 0/001$ معنادار هستند.

در مجموع رجوع به صفات اخلاقی - شخصیتی در توصیف خود با افزایش سن کاهش و رجوع به ویژگی‌های شناختی افزایش می‌یابد. فراوانی پاسخ‌ها به صفات هیجانی - عاطفی و باورها تا سن ۱۶-۱۷ روبه افزایش است ولی از آن به بعد تا جوانی کاهش نشان می‌دهد. در نتیجه با افزایش سن محتوای توصیف خود بیشتر درونی و کمتر جسمانی و قابل مشاهده می‌شود. فراوانی پاسخ‌ها به اسنادهای روانی در آغاز نوجوانی برابر با ۹۸ در پایان نوجوانی ۱۴۶۲ و در جوانی معادل با ۱۶۰۵ است؛ در صورتی که در مقوله هویت اجتماعی فراوانی پاسخ‌ها در آغاز نوجوانی ۶۳ در پایان نوجوانی ۶۶ و در جوانی برابر ۲۱ است.

الگوی کلی نتایج نشانگر این است که محتوای توصیف خود سیر تحولی دارد و این

تحول با افزایش سن بیشتر درونی و انتزاعی و کمتر جسمانی و عینی می شود. بنابراین فرضیه پژوهش تایید می شود.

آیا مفهوم خود نزد دختران متفاوت از مفهوم خود نزد پسران است؟ به منظور پاسخگویی به پرسش فراوانی پاسخ‌ها به چهار مقوله توصیف خود به تفکیک جنس طبق جدول ۴ تشکیل و آزمون مجذور کا روی آن انجام شد. بین توزیع فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در سطح $\alpha = 0/001$ ($X^2 = 132/5, df = 2$) تفاوت معناداری دیده شد. بنابراین بین جنس و مقوله‌های توصیف خود رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخ آزمودنی‌ها به چهار مقوله اصلی توصیف خود به تفکیک

جنس

مقوله‌ها جنس	هویت اجتماعی	اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری	اسنادهای روانی	پاسخ‌های غیر قابل‌کدگذاری	جمع
پسر	۶۹	۱۴۲۶	۱۷۱۴	۹۱	۳۳۰۰
دختر	۸۱	۱۲۵۶	۲۳۳۳	۱۹	۳۶۸۹
جمع	۱۵۰	۲۶۸۲	۴۰۴۷	۱۱۰	۶۹۸۹
X^2	۰/۹۶	۱۰/۸ *	۹۴/۶ **	۴۷/۲ **	

** $P < 0/001$ * $P < 0/01$

برای بررسی رابطه تعاملی بین جنسیت و زیر مقوله‌های توصیف خود جدول 16×2 تشکیل شد، و آزمون مجذور کا روی آنها انجام گرفت. بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در سطح $\alpha = 0/001$ ($X^2 = 388/3, df = 15$) تفاوت معنادار مشاهده شد. بنابراین نسبت پاسخ‌ها به زیرمقوله‌های توصیف خود برای دختران و پسران یکسان نیست.

برای تعیین این که چه جنبه‌هایی از توصیف خود بین دختران و پسران متفاوت است، آزمون مجذور کای یک متغیری روی تک تک مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها انجام شد. در مقوله‌های اسنادهای روانی و اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری تفاوت معناداری بین توزیع فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار مشاهده شد ($\alpha = 0/001$).

$(X^2=94/6, df=1)$ و $(X^2=10/8, df=1, \alpha=0/01)$.

با توجه به فراوانی پاسخ‌ها، محتوای توصیف خود دختران درونی‌تر از پسران است، ولی رجوع پسران به مقوله اسنادهای شخصی بیش از دختران است. در مقوله هویت اجتماعی بین پاسخ‌های دختران و پسران تفاوت معنادار مشاهده نشد. در جدول ۵ درصد کل پاسخ‌ها به مقوله‌ها و زیرمقوله‌هایی که نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین دختران و پسران است، ارایه شده است:

جدول ۵. درصد کل پاسخ به مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها به تفکیک جنس

مقوله	جنس	پسر	دختر
اسنادهای روانی		۴۶	۵۸
صفات هیجانی-عاطفی		۱۹/۳	۱۵/۴
صفات اخلاقی-شخصیتی		۷/۵	۳۲/۷
ویژگی‌های شناختی		۱۸/۶	۸/۳
عقاید و باورها		۳	۳/۴*
اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری		۴۴	۳۷/۹
رفتار اجتماعی		۵/۶	۱۱
رفتار شخصی		۱/۳	۱۰/۲
رفتار خانوادگی		۳/۵	۲/۸
آمال و آرزوها		۵/۴	۲/۱
انتخاب و سلیقه‌ها		۲۴	۸/۸
نقش اجتماعی		۱/۷	۰/۳
خودآز دید دیگران		--	۱/۴*

سایر مقادیر مندرج در جدول در سطح $P < 0/001$ معنادار است $P < 0/1$ *

در مقوله اسنادهای روانی، بین توزیع فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در زیر مقوله‌های صفات هیجانی-عاطفی، صفات اخلاقی-شخصیتی و ویژگی‌های شناختی در سطح $\alpha = 0/001$ تفاوت معنادار مشاهده شد و آزمون کا به ترتیب برابر با

۶۹/۷، ۲۹۳/۳ و ۳۳/۵ محاسبه گردید. فراوانی پاسخ‌های دختران در زیر مقوله صفات اخلاقی - شخصیتی بیشتر از پسران است، ولی در صفات هیجانی - عاطفی و ویژگی‌های شناختی فراوانی پاسخ‌های پسران بیشتر از دختران است. دختران به زیر مقوله عقاید و باورها بیشتر از پسران رجوع دارند و این تفاوت در سطح $\alpha=0/1$ ($X^2=6/4, df=1$) معنادار است.

در مقوله اسنادهای شخصی و توصیف‌های رفتاری در زیر مقوله‌های رفتار اجتماعی، رفتار شخصی، رفتار خانوادگی، آمال و آرزوها و انتخاب و سلیقه‌ها بین توزیع فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در سطح $\alpha=0/001$ تفاوت معنادار مشاهده شد و آزمون کا به ترتیب برابر با ۳۲/۵، ۱۰۱/۴، ۱۵/۵، ۳۰/۵ و ۱۲۷/۷ محاسبه شد. رجوع دختران در توصیف خود به زیر مقوله‌های رفتار اجتماعی، رفتار شخصی بیشتر از پسران است، ولی آنها به زیر مقوله‌های آمال و آرزوها و انتخاب و سلیقه‌ها کمتر از پسران رجوع دارند. در مقوله هویت اجتماعی، در زیر مقوله‌های نقش اجتماعی ($\alpha=0/001$) ($X^2=13/14, df=1$) و خود از دید دیگران ($\alpha=0/1$) ($X^2=8/4, df=1$) بین توزیع فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنادار مشاهده گردید. پسران به نقش اجتماعی، مثل "من پسری سیزده ساله هستم"، "دانش‌آموز سال دوم راهنمایی هستم" بیشتر از دختران توجه دارند؛ ولی دختران خود را از دید دیگران بیشتر از پسران توصیف نموده‌اند، مثل "به گفته پدر و مادرم دختری مظلوم هستم"، "بزرگترها می‌گویند پر طاقت هستم".

نتایج در کل نشانگر این است که با افزایش سن سیر تحولی توصیف خود نزد دو جنس بیشتر انتزاعی، درونی و کمتر جسمانی و عینی می‌شود؛ ولی در بعضی از زیر مقوله‌ها مانند: صفات هیجانی - عاطفی، صفات اخلاقی - شخصیتی، عقاید و باورها، رفتار اجتماعی، رفتار شخصی، رفتار خانوادگی و خود از دید دیگران رجوع دختران بیشتر از پسران است و بر عکس در ویژگی‌های شناختی، آمال و آرزوها و انتخاب و سلیقه‌ها رجوع پسران بیشتر از دختران است کلیه تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری:

بر اساس نتایج پژوهش سیر تحولی مفهوم خود در آغاز نوجوانی، پایان نوجوانی و جوانی متفاوت است. در این سیر تحولی با افزایش سن توصیف خود، جوانان نسبت به

نوجوانان بیشتر انتزاعی، درونی و کمتر عینی و قابل مشاهده می‌شود. تفاوت سیر تحولی آغاز و پایان نوجوانی این پژوهش با یافته‌های امین یزدی (۱۳۷۳) و رشیدی (۱۳۷۷) حاصل از اجرای آزمون "من کیستم" سازگاری دارد. رجوع بیشتر جوانان به توصیف‌های خود درونی نسبت به نوجوانان تاییدی است بر نظرات هارتر (۱۹۹۰) و دایمون و هارت (۱۹۸۲) مبنی بر این که با افزایش سن، توصیف خود از جنبه‌های عینی و قابل مشاهده به ویژگی‌های انتزاعی تغییر می‌یابد و نیز باباور رزنبرگ همخوانی دارد. به اعتقاد رزنبرگ^۱ مفهوم خود در فرایند تحول از افتراق نایافتگی به افتراق یافتگی تغییر می‌یابد، و افتراق یافتگی به معنای افزایش تعداد توصیف‌هایی است که فرد از خود دارد. یافته‌ها با نظرات پژوهشگرانی مانند اسوان،^۲ ۱۹۸۵؛ مک فارلین،^۳ ۱۹۸۱؛ متی،^۴ ۱۹۷۲؛ (به نقل از تیک،^۵ ۱۹۹۲) که معتقدند در مفهوم خود تغییر ایجاد نمی‌شود. و سرانجام با نظر وایلی^۶ (۱۹۷۱) که بیان می‌کند مفهوم خود با سن تغییر نمی‌کند همخوانی ندارد. در کل ۶۵ درصد از آزمودنی‌ها در توصیف خود به اسنادهای روانی رجوع می‌کنند. جوانان به ویژگی‌های شناختی بیشتر از نوجوانان اسناد می‌کنند؛ ولی نوجوانان در توصیف خود به صفات هیجانی-عاطفی و اخلاقی-شخصیتی بیشتر از جوانان مراجعه می‌کنند. جوانان به اسنادهای فیزیکی و رفتار شخصی کمتر از نوجوانان رجوع دارند، که تاییدی است بر اندیشه سوزان هارتر (۱۹۸۱) که معتقد است توصیف خود به موازات سن تغییر می‌کند؛ به طوری که این توصیف‌ها از ویژگی‌های بدنی و مادی آغاز می‌شود؛ سپس به اعمال، فعالیت‌ها، و در نهایت به سطوح پیشرفته‌تر مانند هیجانات، انگیزه و امور شناختی معطوف می‌گردد. نوجوانان بیشتر از جوانان به رفتار اجتماعی رجوع دارند که با نظر دایمون و هارت (۱۹۸۲) سازگاری دارد. طبق باور آنها گروه‌های سنی ۱۱-۱۲ تا ۱۳-۱۴ ساله در توصیف خود به مسائل اجتماعی بیش از سایر سنین اهمیت قائل می‌شوند؛ در صورتی که در اواخر نوجوانی و جوانی "خود روانی" از خود اجتماعی بیشتر مورد نظر آنها قرار می‌گیرد. فراوانی پاسخ‌های جوانان به

1. Rosenberg

2. Oswan

3. Mc Farlin

4. Maty

5. Tice

6. Wylie

زیرمقوله رفتار خانوادگی بیشتر از نوجوانان است. جوانان فعالانه در جستجوی خویش‌اند و می‌خواهند خود را در روابط با دیگران کشف نمایند، در صورتی که نوجوانان برای بریدن از وابستگی کودکی و کسب استقلال بزرگسالی در تلاش‌اند، رجوع ۱۷-۱۸ سالگان به زیر مقوله‌های آمال و آرزوها و انتخاب و سلیقه‌ها بیشتر از آغاز نوجوانی است، ولی در جوانی بار دیگر این رجوع کم می‌شود، شاید بتوان ویژگی‌های خلقی نوجوان و شرایط اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی را توجیهی برای این کاهش قلمداد کرد. نوجوانان افکار پرشوری دارند، زیرا هنوز محدودیت‌های زندگی را درک نکرده‌اند. به علاوه، خلق خوشبینانه آنها را به این فکر و امید می‌دارد که توانایی انجام دادن کارهای بزرگ را دارند، ولی با افزایش سن جوانان شناخت بیشتری از خود پیدا می‌کنند؛ علایق و آرزوهای خود را محدود می‌نمایند و به خاطر محدودیت‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی در رسیدن به خواسته‌های خود با ناکامی نیز روبه‌رو می‌شوند. به همین دلیل جوانان در افق آینده خود نومی‌ند و بیم بیشتری می‌بینند و آن را در گزاره‌هایی مانند "از آینده بیم دارم، نگران آینده هستم" می‌نمایانند. رجوع نوجوانان ۱۳-۱۴ ساله به نقش اجتماعی بیشتر از دوگروه سنی دیگر است و این یافته با یافته‌های امین یزدی (۱۳۷۳) که نشان می‌دهد فراوانی پاسخ‌های مقوله نقش اجتماعی هفده ساله‌ها نسبت به دوازده ساله‌ها کاهش معناداری نشان می‌دهد، همخوانی دارد. همچنین نظر مکوبی^۱ (۱۹۸۰، نقل از بوکتکو و داهلر، ۱۹۹۲) که اعتقاد دارد نقش‌های اجتماعی در اوایل نوجوانی اهمیت زیادی در سنجش خود دارد، تایید می‌شود. رزنبرگ (۱۹۷۹) نیز چنین می‌اندیشد که در دوران دوم کودکی رجوع به عناصر اجتماعی در شناخت نسبت به خود از دوره‌های دیگر بیشتر است.

در پژوهش حاضر علاوه بر سیر تحولی مفهوم خود نزد دو جنس، با افزایش سن در بعضی از زیرمقوله‌های توصیف خود بین فراوانی پاسخ‌های آزمودنی‌های دختر و پسر تفاوت‌هایی مشاهده شد. دختران به زیرمقوله‌های صفات هیجانی-عاطفی، صفات اخلاقی شخصیتی، رفتار اجتماعی، رفتار خانوادگی، رفتار شخصی و خود از دید دیگران بیشتر از پسران رجوع دارند و در زیر مقوله‌های ویژگی‌های شناختی، انتخاب و

سلیقه‌ها، آمال و آرزوها و نقش اجتماعی پسران بیشتر از دختران در توصیف خود بدانها رجوع می‌کنند. در کل دختران زودتر از پسران از محتوای توصیف‌های خود درونی بهره می‌گیرند و فراوانی محتوای توصیف‌های خود درونی آنها بیشتر از پسران است. به بیان دیگر دختران بیشتر از پسران هم سن خود به دنیای درون احساسات و هیجانات می‌پردازند. فراوانی پاسخ‌های دختران در زیر مقوله هویت اجتماعی، به ویژه در آغاز نوجوانی بیشتر از پسران است، که با یافته‌های امین یزدی (۱۳۷۳) و با نظرات آیزنبرگ و لنون^۱ (۱۹۸۳) هال و هالبرستاد^۲ (۱۹۸۶، نقل از بوکتکو و داهلر، ۱۹۹۲) که معتقدند دختران به ویژه در اواخر نوجوانی رفتارهای اجتماعی بیشتری نسبت به پسران دارند سازگار است. نظر وایلی (۱۹۷۹، نقل از مارش،^۳ ۱۹۸۹) پیوند جویی بیشتر دختران نسبت به پسران نیز مورد تایید است. ولی با نظرات دوسک و فلاهری (۱۹۸۶) که متعقدند تفاوت‌های جنسی کمی در رفتارهای اجتماعی وجود دارد همخوانی ندارد. در زیر مقوله رفتار شخصی رجوع دختران بیش از پسران است. دختران بیشتر از پسران خود را از دید دیگران توصیف کرده‌اند که تاییدی است بر "دختران هویت خود را بیشتر از دید دیگران می‌یابند" (محسنی، ۱۳۵۰). در زیر مقوله‌های ویژگی‌های شناختی و نقش اجتماعی فراوانی پاسخ‌ها به نفع پسران است، که یافته‌های امین یزدی (۱۳۷۳) را تایید می‌کند. رجوع پسران به زیر مقوله‌های آمال و آرزوها و انتخاب و سلیقه‌ها نیز بیشتر از دختران است. انتظارات خانواده و اجتماع از پسران بیشتر از دختران است و انعکاس آنرا در توصیف خود آنها می‌توان مشاهده کرد. "آرزو دارم در آینده مهندس شوم. آرزو دارم باعث سربلندی خانواده و کشورم بشوم، آرزو دارم آخرین مدل ماشین را داشته باشم، دوست دارم خیلی شیک بپوشم" به همین نسبت نگرانی پسرها به آینده بیشتر از دخترهاست. شرایط اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی نیز تسهیلات بیشتری را برای پسرها مهیا می‌سازد و آنها خود را در جامعه آزاد و راحت‌تر احساس می‌کنند؛ به طوری که محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی برای آنها کمتر است. به همین دلیل انتخاب‌های تحصیلی، شغلی و سلیقه‌های آنها نیز از تنوع بیشتری برخوردار است. در مجموع

1. Eisenberg & Lenon

2. Hall & Halberstat

3. Marsh

می توان گفت توصیف خود نزد دختران و پسران در برخی جنبه‌ها با هم متفاوت است ولی سیر تحولی توصیف خود با افزایش سن نزد دو جنس باقی می ماند.

افزون بر بررسی فرضیه و پرسش مطرح شده، یافته‌های پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده در ایران مقایسه شد و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها از نظر فرهنگی بررسی شد.

در برخی پژوهش‌های انجام گرفته در ایران (امین یزدی، ۱۳۷۳؛ رشیدی، ۱۳۷۷) گروه نمونه شامل دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان (۱۶-۱۷ ساله) بود و در آنها از ابزار اندازه‌گیری یکسان "آزمون من کیستم" استفاده شده بود.

شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی: دختران ۱۶-۱۷ ساله تهرانی مانند همسالان خود

در مشهد (امین یزدی، ۱۳۷۳) به اسنادهای روانی رجوع بیشتری از پسران دارند. این یافته با نتایج پژوهشی دیمون و هارت (۱۹۸۲) که نشان می‌دهد دختران در توصیف‌های خود از ویژگی‌های درونی و انتزاعی بیشتری نسبت به پسران استفاده می‌کنند، همخوانی دارد. بنابراین به رغم تفاوت‌های درون فرهنگی دختران در محتوای توصیف خود درونی‌تر از پسران هستند. به زیر مقوله رفتار اجتماعی دختران بیشتر از پسران رجوع دارند و توجه پسران هم سن به این مقوله نیز متفاوت است. پسران تهرانی به ترتیب نسبت به پسران مشهد (امین یزدی، ۱۳۷۳) و پسران آستارا و روستا (رشیدی، ۱۳۷۷) به این زیر مقوله رجوع بیشتری دارند. هرچه محیط اجتماعی گسترده‌تر و بهره‌مندی از امکانات اجتماعی-فرهنگی بیشتر باشد، رفتار اجتماعی در توصیف خود متجلی‌تر می‌شود. خود از دید دیگران که از عوامل مهم شکل‌گیری خود است، نزد دختران فراوانی بیشتری از پسران دارد. این تفاوت نیز می‌تواند متأثر از فرهنگ باشد. برای دختران به ویژه دختران ایرانی (محسنی، ۱۳۵۲) اهمیت زیادی دارد که چگونه دیگران آنها را توصیف و درموردشان قضاوت می‌کنند. رجوع پسران به ویژه در پایان نوجوانی به زیر مقوله آمال و آرزوها بیشتر از دختران است و این رجوع در بین پسران هم سن نیز متفاوت است. پسران تهرانی بیشترین اسناد و پسران روستایی کمترین اسناد، به این زیر مقوله را داشته‌اند. انتظارات خانواده و اجتماع از پسران بیشتر از دختران است و به همین نسبت امکانات اقتصادی و فرهنگی بیشتری در اختیار پسران قرار می‌گیرد. در ضمن امکانات اقتصادی و فرهنگی در شهرها و روستاها متفاوت است. شهر بزرگی

مثل تهران دارای امکانات اقتصادی و فرهنگی زیادی است. کلیه این عوامل برآمال و آرزوهای نوجوانان به‌ویژه پسران تاثیر گذار است. نوجوانان مشهدی بیشتر از نوجوانان تهرانی به زیرمقوله رفتار مذهبی رجوع دارند، مشهد شهری مقدس و مذهبی است و تاثیر این فرهنگ را می‌توان بر نوجوانان دید. نوجوانان روستایی نیز رجوع بیشتری از نوجوانان شهری به زیر مقوله مذهب و باورها دارند. این تفاوت نیز می‌تواند متاثر از فرهنگ باشد. جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری بسته و محدودتر هستند؛ لذا آداب و رسوم، سنت‌ها و باورها نیز بیشتر حفظ، و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در کل یافته‌های پژوهش نشانگر این است که به رغم تفاوت‌های جنسی و فرهنگی، آزمودنی‌های پژوهش حاضر در توصیف خود بیشترین رجوع را به مقوله اسنادهای روانی و کمترین را به مقوله هویت اجتماعی دارند، و تفاوت‌های جنسی و فرهنگی بیشتر درون مقوله‌ها تا بین آنها دیده می‌شود. به بیان دیگر سیر تحولی توصیف خود با افزایش سن بیشتر انتزاعی و درونی و کمتر عینی و جسمانی می‌شود و این سیر تحولی رها از جنس و فرهنگ است.

Reference

- امین یزدی، امیر(۱۳۷۳). بررسی محتوای خود نزد پسران و دختران در آغاز و پایان نوجوانی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- احدی، حسن و محسنی، نیکچهره(۱۳۷۱). مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی نوجوانی. تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- بدیعی، نعیم(۱۳۷۵). تجزیه و تحلیل محتوا(نحوه محاسبه ضریب قابلیت اعتماد) تحقیق در علوم انسانی. نشریه معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی شماره ۱.
- دیلو جیمز، وندر زندن. روان‌شناسی رشد، ترجمه دکتر حمزه گنجی(۱۳۷۶) انتشارات بعثت.
- رشیدی، سید محمد(۱۳۷۷). بررسی فرهنگی تحولی توصیف خود دانش‌آموزان پسر یازده و هفده ساله روستای و شهری. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- خامسان، احمد(۱۳۷۴). بررسی مقایسه‌ای ادراک خود در زمینه تحولی و سلامت روانی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- محسنی، نیکچهره(۱۳۵۰). " تصویر خود در نزد نوجوانان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ سال در سمپوزیوم مسائل روانی و اجتماعی نوجوانان (۱۱-۱۴).
- محسنی، نیکچهره(۱۳۷۵). ادراک خود (از کودکی تا بزرگسالی). تهران: انتشارات بعثت.
- هنری ماسن، پاول و دیگران(۱۹۸۸). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی(۱۳۶۸). تهران: نشر مرکز.

- Bond, M.H.& cheung. T.S. (1983). College students' spontaneous self-concept. The effect of culture among respondents in hong kong,japan, and the united states. *Journal of cross-cultural Psychology,101,(2), 153-171.*
- Bjrne, B.M.& shavelson R. (1986). On the structure and adolescent self-concept. *Journal of Educational Psychology vol 18 P. 474-481.*
- Damon, W. & hart. D. (1982). The development of self-understanding from infancy through adolescence. *Journal of child development, 53, 841- 864.*
- Harter, s. (1988). Developmental and dynamic changes in the nature of the self-concept. *In cognitive development and child Psychotherapy S.R. shirk (Eds). New York. Plenum press.*

Hart, D. (1984). " Developmental trends in self- understanding in Purtorico and United State". *Journal of early adolescence*, 6,293-304.

Kanagawa, C.K. Shion(1992). Cucural differences and similarities of self-concept and self-schema between US and Japanese stadents. *Colleg, Nara, Japan XXV International cengress of Psychology. Brussels, 19-24 July,1992.*

Livesley, W. (1973). " Person Perception in childhood and adolescence"
London, New York, J. Wiley.

Montemayor, R. & Eisen, M. (1979). " The development of self- conceptions from childhood to Adolescence. *Developmental Psychology*, Vol.13,No.4, 314-319

Marsh, H, W. (1989). Age and sex effects in multiple dimensions of self-concept: Preadolescence to early adulthood. *Journal of Educational Psychology*, 81 (3), 417-430.

Smith B. Peter and Harris Bond, Michael.(1993) social Psychology Across Cultures Analysis and perspectives Harvester wheatsheaf.

Wigfield, A & karpathian, M. (1991). Who am I and what can I do? children's self-concepts and motivation in achievment situations. *Educational Psychologist*, 26 (384), 233- 261.